

# نتایج پژوهش در همبستگی اختلالات عاطفی

## کودکان دبستانی با هوش و یادگیری آنان

معرفی مقاله

نوشته آقای دکتر حسین لطف آبادی

این مقاله، پژوهشی است براساس این فرضیه که: کودکان دارای اختلالات عاطفی - رفتاری، در مقایسه با کودکان عادی، کمتر قادرند از تواناییهای شناختی خود بهره گیرند و در نتیجه یادگیری و پیشرفت تحصیلی ضعیفتری دارند.

روش پژوهشی طرح، تلفیقی از بررسیهای توصیفی موردی، و نیمه تجربی - آماری است که بر روی ۱۱۴ کودک عادی دبستانی و ۹۶ کودک دبستانی دیگر که دارای اختلالات عاطفی - رفتاری بوده‌اند اجرا شده است.

تجزیه و تحلیل نتایج بدست آمده از این طرح پژوهشی حاکی از رد فرض عدم تفاوت دو گروه از دانش آموزان (گروه گواه و گروه نیمه تجربی) و قبول فرضیه محوری در این تحقیق است. به بیان دیگر، ضمن تصدیق تأثیر و تأثر متقابل عوامل گوناگون مؤثر بر رشد کودک، تردیدی نمی‌توان کرد که:

- ۱- رفتار والدین و سایر بزرگسالان با کودکان، با وضعیت فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی آنان ارتباط دارد؛
- ۲- رفتار والدین و بزرگسالان در شکل‌گیری عواطف و دستگاه روانشناختی کودک نقشی حیاتی دارد؛
- ۳- وضعیت عاطفی - رفتاری کودک با تواناییهای شناختی و یادگیری و پیشرفت تحصیلی او ارتباط دارد و بر آنها تأثیر می‌گذارد؛
- ۴- با توجه به جهات فوق، فعالیتهای تعلیم و تربیتی کودکان در

مدرسه، نیازمند بازنگری و اصلاح است.

این مقاله توسط برادر دکتر حسین لطف آبادی استاد دانشگاه فردوسی مشهد تهیه و در اختیار فصلنامه قرار گرفته است که بدینوسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

فصلنامه،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱- مقدمه

طرح پژوهشی "همبستگی اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان دبستانی با تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی آنان" به تصویب شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد از تاریخ بهمن ماه ۶۶ تا اسفند ۱۳۷۰ اجرا شده است. نتایج این طرح پژوهشی، علاوه بر این مقاله، در سه مقاله تحقیقی دیگر در دو کنگره علمی و یک سمپوزیوم تخصصی توسط مجری طرح ارائه شده است. این مقالات عبارتند از:

- ۱- "اختلالات روانی- شناختی کودکان آسیب دیده از جنگ" ارائه شده در کنگره بهداشت و هشت سال جنگ" در دانشگاه علوم پزشکی اهواز- آذرماه ۱۳۶۷
- ۲- "کاربرد آزمون اندریافت کودکان برای تشخیص اختلالات عاطفی آنان" ارائه شده در "دومین کنگره پژوهشهای روانپزشکی و روانشناسی ایران" در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران- آذرماه ۱۳۶۸
- ۳- "کاربرد آزمون بصری- ادراکی بندر- گشتالت در تشخیص وضعیت روانی- شناختی کودکان" ارائه شده در "سمپوزیوم بهداشت روانی" در دانشگاه علوم پزشکی مشهد- مهرماه ۱۳۶۹

در این مقاله، پس از بیان مسأله تحقیق، فرضیات طرح، روش پژوهش، مراحل اجرای تحقیق، زمینه نظری پژوهش، و مدل تحقیق، یافته‌های پژوهش در "همبستگی اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان دبستانی با تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی آنان" را ارائه می‌کنیم.

## ۲- تعریف مسأله

تواناییهای شناختی و بهر هوشی و یادگیری و پیشرفت تحصیلی کودکان در ارتباط با وضعیت عاطفی- رفتاری آنان است و کودکانی که دچار اختلالات عاطفی و رفتاری هستند، در مقایسه با کودکان عادی، کمتر قادرند از تواناییهای هوشی خود بهره‌گیرند و در نتیجه یادگیری و پیشرفت تحصیلی ضعیفتری دارند. برخورد آموزش و پرورش و سازمان مدرسه و معلمان در مورد تشخیص و ارزشیابی وضعیت دانش‌آموزان عموماً بدون توجه به این مسأله صورت می‌گیرد و این امر زمینه احساس ناتوانی و حقارت، افت تحصیلی، و حتی ترک تحصیل بسیاری از دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد. طرح پژوهشی ما در پی آن بوده است که چگونگی همبستگی اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان دبستانی با تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی آنان را آشکار سازد تا امکان بهتری برای توجه به این مسأله حیاتی و انجام اقدامات لازم برای رشد و پیشرفت دانش‌آموزان فراهم آید.

### ۳- فرضیات طرح

این پژوهش در صدد آن بوده است که فرضیه‌های زیر را مورد بررسی و آزمون قرار دهد:

- ۱- اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان دبستانی با ضعف تواناییهای شناختی و هوشی آنان همبستگی مستقیم دارد و قرائن کافی در دست است که این همبستگی را می‌توان نشانه‌ای علی از تأثیر منفی این اختلالات بر عملکردهای شناختی دانش‌آموزان دانست.
- ۲- اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان دبستانی با ضعف یادگیری و کمبود پیشرفت تحصیلی آنان همبستگی مستقیم دارد و می‌توان این همبستگی را نشانه‌ای از تأثیر منفی این اختلالات بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دانست.
- ۳- میزان همبستگی اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان با ضعف تواناییهای هوشی و کم‌توانی یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان در شرایط محرومیت اقتصادی- اجتماعی وجود مشکلات عاطفی در خانواده، شدت بیشتری دارد.
- ۴- آزمون بصری- ادراکی بندر- گشتالت (B.G.T.) ابزاری مناسب برای تشخیص و پیش‌بینی تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی کودکان دبستانی است و نتایج حاصل از این آزمون با نتایج مقیاس هوشی استنفورد- بینه و مطالعات تشخیصی مربوط به عملکردهای ذهن کودکان دارای همبستگی مثبت است.
- ۵- آخرین تجدیدنظر مقیاس هوشی استنفورد- بینه (S. B. I. S. - 1986) ابزاری مناسب برای تشخیص تواناییهای شناختی و پیش‌بینی‌کننده توانایی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبستانی است و نتایج حاصل از این آزمون با نتایج ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای همبستگی مثبت است.
- ۶- آزمون اندریافت کودکان (C. A. T.) ابزاری مناسب برای تشخیص اختلالات عاطفی کودکان دبستانی است و نتایج آن با سایر مطالعات تشخیصی- بالینی دارای همبستگی مثبت است.

### ۴- هدف از اجرای پژوهش و دلایل ضرورت آن

هدف از اجرای این طرح، تعیین چگونگی رابطه اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان دبستانی با تواناییهای شناختی و یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان و همچنین توسعه کاربرد سه آزمون روانی و شناختی بین‌المللی مذکور در تشخیص وضعیت روانی و تواناییهای شناختی کودکان دبستانی و بررسی رابطه نتایج کاربرد این آزمونها با یکدیگر و با سایر مطالعات انجام شده در این طرح است.

برای توجیه ضرورت اجرایی این طرح باید گفت که فعالیتهای آموزش و پرورش در دبستانهای ما تکیه اساسی خود را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان قرار می‌دهد و عموماً

توجهی به تفاوت‌های فردی کودکان از نظر عاطفی و وضعیت شناختی متأثر از آن و تأثیری که این عوامل بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان می‌گذارد نشان نمی‌دهد و کوششی تخصصی و علمی در جهت کاهش این اختلالات به عمل نمی‌آورد. اجرای این طرح و نتایج حاصل از آن برای حل این مسأله بزرگ آموزشی و پرورشی راهگشایی کرده است.

در جامعه ما میلیون‌ها کودک در دبستانها تحصیل می‌کنند و بسیاری از آنان به سبب کم توجهی به دلایل ناتوانیهای یادگیریشان به کمبود پیشرفت تحصیلی و احساس حقارت و پزیرندگی و حتی ترک تحصیل دچار می‌شوند. نتایج این طرح پژوهشی و مطالعات مشابه تخصصی دیگر، زمینه‌های مناسبتری برای تأمین رشد همه جانبه کودکان و اعتلای تعلیم و تربیت آنان فراهم می‌آورد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد توجه کارشناسان آموزش و پرورش، دبستانهای کشور، مراکز تربیت معلم، دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی، متخصصان روانپزشکی کودکان، سازمان بهزیستی، خانواده‌ها و سایر نهادهایی قرار گیرد که به کار رشد و پرورش کودکان خردسال دبستانی اشتغال دارند.

## ۵- روش پژوهش

روش پژوهشی این طرح، با توجه به موضوع و محتوا و اهداف آن، تلفیقی از بررسیهای توصیفی، موردی، و نیمه تجربی - آماری است. بدین معنا که پس از انتخاب یک نمونه دویست و ده نفری کودک دبستانی (۱۰۲ کودک کلاس اول و ۱۰۸ کودک کلاس دوم از دبستانهای نواحی آموزش و پرورش مشهد) که طبق معیارهایی از پیش تعیین شده و معمول در روانشناسی کودکان، ۱۱۴ نفر از آنان را کودکان عادی (گروه گواه) و ۹۶ نفر بقیه را کودکان دارای اختلالات عاطفی - رفتاری (گروه نیمه تجربی) تشکیل می‌داده‌اند، همزمان با مطالعات حضوری (Participatory Research) در مورد چگونگی رفتار این کودکان در مدرسه و واکنش همسالان و اولیای دبستان نسبت به آنان و بررسی وضعیت خانواده این کودکان و چگونگی رشد عاطفی - رفتاری آنان در سالهای قبلی زندگیشان از طریق مصاحبه نظامدار با والدین یا سرپرست آنان و مطالعه در زندگی خانوادگی به منظور تکمیل اطلاعات، به انجام سه آزمون روانی و شناختی زیر در مورد یکایک کودکان نمونه پرداخته شده است:

- Children's Apperception Test (C. A. T. a.)
- the Bender - Gestalt Test for Young Children (B. G. T.)
- the fourth edition of Stanford - Binet Intelligence Scale (S. B. I. S. - 1986)

علاوه بر اجرای آزمونهای فوق که مربوط به وضعیت روانی و شناختی کودکان است، ضمن بررسی وضعیت پیشرفت درسی دانش‌آموزان انتخاب شده، آزمونهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دروس خواندن و دیکته و ریاضی در مورد دانش‌آموزان عادی و غیر عادی

کلاسهای اول و دوم مذکور (با توجه به حجم مطالبی که در زمان اجرای آزمون در هر کلاس تدریس شده بود) به عمل آمده است.

نتایج این مطالعات هم با روشهای توصیفی حاصل از بررسیهای حضوری و موردی و هم با استفاده از روشهای نیمه تجربی - آماری برای مقایسه گروههای گواه و نیمه تجربی تجزیه و تحلیل شده است. به این منظور، علاوه بر ارائه نمونه‌های بارز مطالعات موردی، با استفاده از محاسبات آماری اندازه‌های مرکزی، اندازه‌های تغییرپذیری، ضرایب همبستگی، و آزمون فرضیه باروش T، نتیجه‌گیریهای لازم انجام شده و تفسیر و بحث راجع به آنها به عمل آمده است.

## ۶- مراحل اجرای طرح

طرح پژوهشی "همبستگی اختلالات عاطفی - رفتاری کودکان دبستانی با تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی آنان" در هشت مرحله و با همکاری سیزده نفر دستیاران کارشناس روانشناسی و تعلیم و تربیت در طول مدت چهار سال (از بهمن ماه ۶۶ تا اسفند ۱۳۷۰) به شرح زیر به انجام رسیده است:

- مرحله اول، گزینش یک نمونه ۱۰۲ نفری از دانش‌آموزان کلاسهای اول دبستانهای نواحی آموزش و پرورش مشهد، ترجمه و آماده‌سازی آزمونها، آماده‌سازی کارشناسان و دستیاران پژوهشی طرح از طریق تشکیل کلاسهای اختصاصی آموزشی و توجیهی، تهیه چهارچوب مصاحبه‌های نظام‌دار و برنامه‌ریزی برای اقدامات پژوهشی و جلب همکاری ادارات آموزش و پرورش مشهد.

- مرحله دوم، اجرای آزمونهای بندر - گشتالت، استنفورد - بینه، اندریافت کودکان، و پیشرفت تحصیلی در مورد ۱۰۲ نفر دانش‌آموزان کلاس اول، مشاهده و بررسی رفتار این دانش‌آموزان در مدرسه، مصاحبه با اولیای دانش‌آموزان، و بررسی زندگی خانوادگی و چگونگی رشد این کودکان.

- مرحله سوم، کار بر روی اطلاعات بدست آمده و تحلیل و ارائه مطالعات موردی، نتیجه‌گیریهای مقدماتی در مورد مطالعات مربوط به دانش‌آموزان کلاس اول، ارائه مقاله "اختلالات روانی - شناختی کودکان آسیب‌دیده از جنگ" در کنگره "بهداشت و هشت سال جنگ" در دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

- مرحله چهارم، انتخاب یک نمونه ۱۰۸ نفری از دانش‌آموزان کلاس دوم از جمعیت آماری مورد نظر (دبستانهای نواحی آموزش و پرورش مشهد) و آماده‌سازی آزمونهای پیشرفت تحصیلی مربوط به این دانش‌آموزان.

- مرحله پنجم، اجرای آزمونهای بندر - گشتالت، استنفورد - بینه، بندر - گشتالت، و پیشرفت تحصیلی در مورد یکصد و هشت نفر دانش‌آموزان کلاس دوم، مشاهده و بررسی

رفتار دانش آموزان مذکور در مدرسه، مصاحبه با اولیای دانش آموزان و بررسی زندگی خانوادگی و چگونگی رشد این کودکان، ارائه مقاله "کاربرد آزمون اندریافت کودکان در تشخیص اختلالات عاطفی آنان" در "دومین کنگره پژوهشهای روانپزشکی و روانشناسی ایران" در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران.

- مرحله ششم، کار بر روی اطلاعات بدست آمده و تحلیل مطالعات موردی، نتیجه گیریهای مقدماتی در مورد مطالعات انجام شده مربوط به دانش آموزان کلاس دوم، ارائه مقاله "کاربرد آزمون بصری - ادراکی بندر - گشتالت در تشخیص وضعیت روانی - شناختی کودکان" در "سمپوزیوم بهداشت روانی" در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

- مرحله هفتم، انجام تحلیلهای آماری بر روی مجموعه اطلاعات به دست آمده از کل نمونه و نتیجه گیریهای آماری.

- مرحله هشتم، بررسی مجدد زمینه‌های نظری تحقیق، بازنگری مدل پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات نرم و اطلاعات سخت به دست آمده، تلفیق نتایج مطالعات موردی و بررسیهای آماری انجام شده حاصل از کل نمونه، نتیجه گیری و تعبیر و تفسیر نتایج، ارائه گزارش نهایی طرح به شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد.

اجرای مراحل اول تا ششم جمعاً سه سال و انجام مراحل هفتم و هشتم طرح یک سال طول کشیده است.

## ۷- زمینه‌های نظری پژوهش

اساس نظری و فرض عمومی این پژوهش آن است که تواناییهای شناختی و قدرت یادگیری و پیشرفت تحصیلی کودکان دبستانی در رابطه با وضعیت عاطفی و روانی آنان است و عامل اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی نیز، به عنوان یکی از زمینه‌های اساسی، در این رابطه جای ویژه‌ای دارد. به بیان دیگر، عملکردهای ذهنی و یادگیری کودکانی که دارای اختلالات عاطفی هستند و به ویژه کودکانی که علاوه بر این اختلالات از محرومیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز رنج می‌برند، بسیار ضعیفتر از کودکان عادی است که از نظر عاطفی - رفتاری اختلال مهمی ندارند و از حداقل امکانات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برخوردارند.

به این ترتیب، می‌توان گفت کودکی که در محیطی گرم و پرنگیزه و با ارتباطات احترام‌آمیز رشد می‌کند و پدر و مادری تحصیل کرده و متعلق به طبقات متوسط یا بالاتر اجتماعی دارد از تعادل روانی بیشتری برخوردار است و رفتار مناسبتری دارد و رشد شناختی و هوشی و توانایی یادگیری و پیشرفت تحصیلی او در سطح بالاتری است. برعکس، کودکانی که در خانواده‌های سرد یا پرکشمش روزگار می‌گذرانند، کودکانی که از سرپرستی پدر یا مادر یا هر دو محرومند، کودکانی که با مادرانی افسرده یا پدرانی متعصب و

بدور از مواهب تمدن بشری زندگی می‌کنند و یا والدینی محروم از امکانات حداقل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند تعادل عاطفی و روانی کمتری دارند و رفتار اجتماعی آنان نامناسب است و همچنین رشد شناختی و هوشی ضعیفتری دارند و یادگیریهایشان نیز کمتر است. طبعاً در مواردی که کودکی دچار مشکلات گوناگون و شدیدتری باشد کمبودهای روانی و رفتاری و شناختی و آموزشی بیشتری خواهد داشت.

رفتار کودک نتیجه تأثیرات متقابل عملکردها و روحیات و عادات و تفکر و ارزشها و مسائل و مشکلات اطرافیان با وی و طرز تلقی آنان از اوست. در جریان این ارتباطها، کودکانی که با مشکلات روانی و اجتماعی و فرهنگی مواجه باشند به اختلالات عاطفی و رفتاری دچار خواهند شد. عواطف کودک وسیله‌ای است که به کمک آن، احساسات و خواسته‌ها و نیازهای خود را با دیگران مبادله می‌کند و رفتارش متأثر از همین عواطف است. به عنوان مثال، رفتار کودکی که دچار اختلالات عاطفی است در جریان بازی با سایر کودکان و در خانه و مدرسه نمودهای حاکی از عدم تعادل روانی پیدا می‌کند. جریان مناسبات لحظه به لحظه کودک با محیط زندگی و با بزرگسالان و سایر اطرافیان است که شخصیت او را شکل می‌دهد. احساس کودک از خود نیز بر اساس چگونگی واکنش دیگران نسبت به او کم کم شکل می‌گیرد و متقابلاً، کودک که با احساس معینی از خود در مقابل دیگران واکنش نشان می‌دهد باعث بروز رفتارهای معینی از جانب دیگران می‌شود.

در آنچه گفته شد، منظور ما از اختلالات عاطفی به ویژه در مورد کودکان دبستانی آن دسته از رفتارهایی است که تأثیری منفی بر رشد شخصی و تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی آنان (و یا همسالانشان می‌گذارد). این تأثیرات منفی از کودکی تا کودکی دیگر از نظر شدت و جریان بروز و چگونگی بهبود، متفاوت است. این رفتارها را از جمله می‌توان به صورت‌های زیر در دانش آموزان خردسال مشاهده کرد:

- الف - بدر رفتاری با دیگران (کنک کاری، پرخاشگری، ایجاد اختلاف و جدایی و ...)
- ب - گوشه‌گیری (سکوت، انگشت مکیدن، عمل محدود و کنار کشیدن خود و ...)
- ج - رفتارهای دفاعی (دروغگویی، دزدی، اجتناب از انجام وظایف و تکالیف و ...)
- د - رفتار سازمان‌نیافته (برهم زدن تماس با واقعیت).

کودک ممکن است برخی از این رفتارها یا ترکیبی از آنها را از خود نشان دهد.

در مورد ناتوانیهای یادگیری می‌توان گفت اختلالی است که در یک یا چند فرایند روانی پایه که به درک یا تولید زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل ناتوانی در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن، و یا ناتوانی در انجام صحیح محاسبه‌های ریاضی ظاهر شود. ناتوانیهای یادگیری کودکان معمولاً در چند درس و یا حتی در همه دروس ظاهر می‌شود. این ناتوانیها در تمام کودکان مبتلا به آن، شبیه هم نیست.



طرح پژوهشی ما برای تشخیص تواناییهای شناختی کودکان دبستانی بر وجود یک عامل عمومی هوش که نمایانگر توانایی استدلال عمومی است تکیه می‌کند و این عامل دربرگیرنده استدلال بصری - انتزاعی، استدلال کلامی، حافظه کوتاه مدت، و استدلال کمی یا حسابی است. در همه این موارد، هوش به عنوان پیدا کردن و ادامه دادن یک راه معین، قدرت سازگار کردن خود در وصول به یک هدف مورد نظر است. به این ترتیب، فردی که از هوش بالاتری برخوردار است دارای ظرفیت کلی بیشتر برای عمل هدفدار و تفکر استدلالی و برخورد مؤثر با محیط خویش است و قدرت انتقادی و اصلاحی بیشتری در برخورد با مسائل از خود نشان می‌دهد.

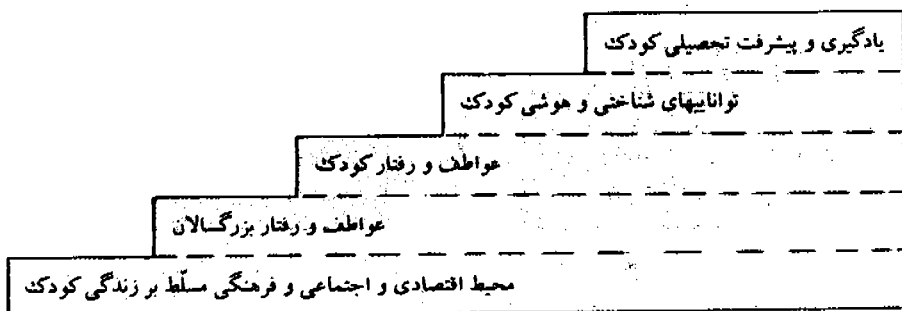
با توجه به آنچه گفته شد، به نظر ما، ویژگیهای روانی و شناختی و یادگیری کودک از یک سو بر زمینه‌های زیستی و ژنتیکی او و از سوی دیگر در جریان تعامل پویا و پیچیده روانی - اجتماعی او با سایر افراد انسانی و تحت شرایط معین تاریخی - فرهنگی شکل می‌گیرد. این نظریه در مورد چگونگی شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودک می‌تواند زمینه پژوهشهای علمی گوناگونی را فراهم آورد. طرح تحقیقی حاضر بخشی از همین نظریه عمومی را به بررسی کشانده است.

## ۸ - مدل تحقیق

عوامل اصلی موضوع مطالعه در این تحقیق را می‌توان در پنج عنوان خلاصه کرد:

- وضعیت اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی خانواده و محیط زندگی کودک
- وضعیت عاطفی - رفتاری حاکم بر روابط کودک با بزرگسالان به ویژه با والدین
- وضعیت عاطفی - رفتاری کودک
- وضعیت شناختی و هوشی کودک
- وضعیت تواناییهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی کودک

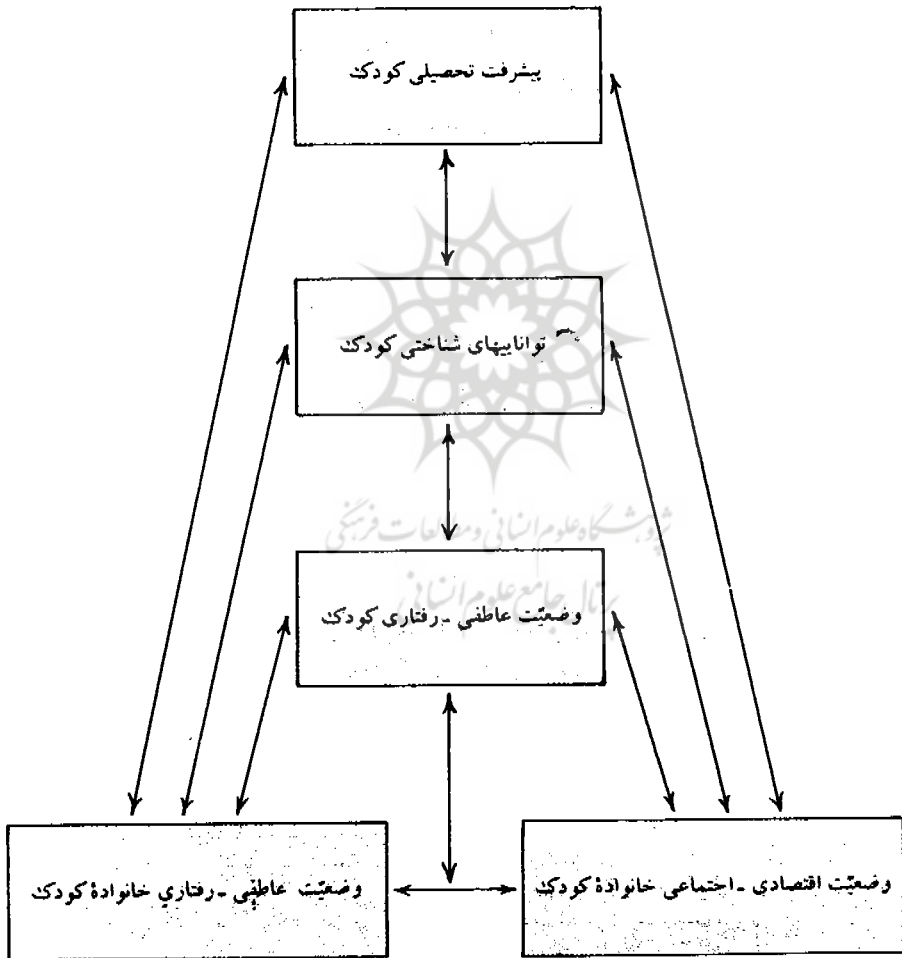
مدل ارتباطی تأثیر این عوامل بر یکدیگر را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:



مدل همبستگی زندگی و عواطف کودک با هوش و یادگیری او

مطابق مدل فوق، ضمن تصدیق تأثیر و تأثر متقابل عوامل گوناگون مؤثر بر رشد کودک، فرض بر آن است که محیط اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر عواطف و رفتار والدین و سایر بزرگسالان است و رفتار آنان نیز نقش تعیین کننده در شکل گیری عواطف و رفتار کودک دارد و این عامل اخیر به نوبه خود با تواناییهای شناختی و هوشی و یادگیری و پیشرفت تحصیلی کودک ارتباط دارد و بر آنها تأثیر می گذارد.

این مدل همبستگی را می توانیم به صورت زیر نیز نشان دهیم:



مدل ارائه شده در این تحقیق، اساساً بیانگر وجود رابطه میان عوامل مذکور است و به خودی خود این معنا را ندارد که رابطه بین عوامل، رابطه‌ای است مطلقاً علی و یک‌جانبه. همان‌طور که می‌دانیم، در بررسی‌های همبستگی، مقایسه‌های گروهی و یا مقایسه متغیرهای مختلف را به صورت ضریب همبستگی نشان می‌دهیم. لیکن، در بررسی‌های علی در صدد آنیم که رابطه همبستگی را تا حد تعیین درجه معنی از وجود و جهت علیت میان متغیرها مطالعه کنیم. در عین حال، محاسبات همبستگی بین متغیرها اگرچه الزاماً به منظور تعیین علیت صورت نمی‌گیرد اما در مواردی که ثنوری زیرساز مطالعات کفایت عینی و عقلی داشته باشد وجود همبستگی قوی و فراگیر بین متغیرهای مورد مطالعه این احتمال را می‌رساند که برخی از متغیرهای مذکور علت بقیه‌اندبه بیان دیگر، عموماً وقتی که پایه‌های نظری یک فرضیه، محکم و منطقی است وجود همبستگی بین متغیرها بیانگر حدودی از رابطه علی است و وجود و جهت و میزان این علیت را می‌توان با روشهای آماری پیشرفته نشان داد.

مطابق فرضیه‌های این پژوهش، کمبودهای شناختی و کم توانیهای یادگیری دانش آموزان دبستانی با وضعیت عاطفی - رفتاری آنان و با محیط عاطفی و اجتماعی مسلط بر زندگی آنها همبستگی دارد و این همبستگی احتمالاً حاکی از وجود رابطه علی بین این عوامل است.

## ۹ - یافته‌های پژوهش

چنان که قبلاً نیز گفته شد، پژوهش در همبستگی اختلالات عاطفی - رفتاری کودکان دبستانی با هوش و یادگیری آنان به مطالعه در مورد یک نمونه دویست و ده نفری از دانش آموزان کلاسهای اول و دوم دبستانهای مشهد پرداخته است. در زمان آغاز این پژوهش، شهرستان مشهد دارای چهار ناحیه آموزشی و پرورشی با مجموع ۱۹۸ دبستان پسرانه و دخترانه با تعداد ۴۵۵۱۹ دانش آموز در کلاس اول و دوم به شرح زیر بود:

ناحیه	دبستان پسرانه	تعداد دانش آموز	دبستان دخترانه	تعداد دانش آموز	جمع کل دانش آموزان
۱	۳۷	۸۶۰۸	۳۵	۸۰۷۹	۱۶۶۸۷
۲	۲۴	۵۵۴۱	۲۲	۵۰۳۰	۱۰۵۷۱
۳	۱۶	۳۶۹۳	۱۴	۳۲۷۱	۶۹۶۴
۴	۲۵	۵۷۰۲	۲۵	۵۵۹۵	۱۱۲۹۷
جمع کل	۱۰۲	۲۳۵۴۴	۹۶	۲۱۹۷۵	۴۵۵۱۹

۱ - جمعیت دانش آموزان کلاسهای اول و دوم دبستانهای نواحی آموزش و پرورش مشهد

با توجه به تعداد مدارس هر ناحیه و با انتخاب تصادفی، دانش آموزان کلاسهای اول و دوم مدارس زیر به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شدند:

ناحیه	نام دبستانهای پسرانه	تعداد نمونه دانش آموزان	نام دبستانهای دخترانه	تعداد نمونه دانش آموزان
۱	بهار، شمس، ضمیمه اسماعیلزاده، عرفانی، شاهد ۱	۳۹	بلال، حضرت زهرا، فاضل، بنیانیان	۲۰
۲	مصطفی خمینی، عدالت، ندافی	۲۴	المهدی، خبیر، والفجر، شاهد ۳	۳۲
۳	پاسداران، رزاقی، شاهد ۴	۳۶	افشارنژاد، خاور	۱۴
۴	عابدزاده، سعیدی، افرا	۲۱	اختران، عکاس، نبوت	۲۴
جمع کل	۱۴ دبستان پسرانه	۱۲۰	۱۴ دبستان دخترانه	۹۰

۲- دانش آموزان دبستانهای نمونه تصادفی موضوع پژوهش

نحوه انتخاب این دویست و ده نفر دانش آموز کلاسهای اول و دوم از دبستانهای چهار ناحیه آموزش و پرورش مشهد به گونه‌ای بوده است که بر اساس معیارهای روانشناسی کودکان، حدود نیمی از آنان کودکان عادی و بقیه از کودکان مبتلا به اختلالات عاطفی باشند.

وضعیت	کلاس اول	کلاس دوم	دختر	پسر	تعداد کل
دانش آموزان عادی	۳۰	۸۴	۴۲	۷۲	۱۱۴
دانش آموزان غیرعادی	۷۲	۲۴	۴۵	۵۱	۹۶
تعداد کل	۱۰۲	۱۰۸	۹۰	۱۲۰	۲۱۰

۳- جدول وضعیت دانش آموزان نمونه تصادفی پژوهش

معیار تقسیم‌بندی فوق براساس طبقه‌بندی‌هایی است که با اقتباس از انجمن امریکایی روانپزشکی برای تشخیص اختلالات روانی (DSM III - R)، ۱۹۸۸؛ و تقسیم‌بندی‌های ارائه شده در آثار مختلف روانشناسی و روانپزشکی کودکان و از جمله آثار باور، ۱۹۸۸؛ مک‌داول، ۱۹۸۲؛ رایزرت و هوانگ، ۱۹۸۷؛ هابز، ۱۹۸۲؛ و کازدین، ۱۹۸۸ جمع‌بندی و

در پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۶ عنوان و ۱۶۱ متغیر عاطفی خلاصه شده است. نتایج حاصل از تکمیل این «پرسشنامه وضعیت عاطفی کودکان» توسط کارشناسان طرح و با همکاری معلمان و والدین دانش آموزان، مهمترین معیار انتخاب و تفکیک دانش آموزان نمونه پژوهشی قرار گرفته است. به معلمان دانش آموزان کلاسهای اول و دوم مذکور قبلاً توسط مجری طرح طی یک جلسه سه ساعته در هر یک از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش مشهد توضیحات دقیق راجع به طرح پژوهشی و معیارهای انتخاب دانش آموزان و چگونگی همکاری معلمان با کارشناسان دستیار طرح داده شده بود. از معلمان هر کلاس تقاضا شد که به تعداد سه برابر افراد نمونه مورد نیاز برای مطالعه را به کارشناسان طرح که وظیفه انتخاب نمونه‌های اصلی پژوهش را بر عهده داشتند معرفی کنند به این صورت که آنان می‌بایست عادی‌ترین و متعادل‌ترین و همچنین نامتعادل‌ترین و پرمشکلترین دانش آموزان کلاس خود را معرفی کنند تا مورد مطالعه مقدماتی قرار گیرند و از میان آنها نمونه‌های اصلی برگزیده شوند.

برای تکمیل اطلاعات به دست آمده از معلم کلاس، کارشناسان طرح با مراجعه به محل زندگی دانش آموزان مصاحبه‌ای با اولیاء آنان انجام می‌دادند و از آنان تقاضای می‌کردند که سوالات «پرسشنامه وضعیت عاطفی کودک» پاسخ دهند. علاوه بر این، هر یک از کارشناسان طرح موظف شده بودند که به هنگام مراجعه خود به مدارس، در کلاس درس و در حیاط دبستان در طول یک روز رفتار هر یک از دانش آموزان انتخاب شده را دقیقاً مشاهده کرده و حاصل مشاهدات و گفتگوهای خود را در قسمت پایانی «پرسشنامه وضعیت عاطفی کودک» یادداشت نمایند.

پس از انتخاب قطعی نمونه‌ها و تکمیل پرسشنامه وضعیت عاطفی کودک، با هماهنگی معلم کلاس و مدیر دبستان، کارشناسان طرح طبق قرار قبلی در روز دیگری برای اجرای آزمونهای میزان یادگیریهای دانش آموزان در درس خواندن، دیکته، و ریاضی به مدرسه مراجعه کرده و ضمناً از وضعیت پیشرفت تحصیلی آنان در مدرسه و نمره‌های امتحانی آنان در کلیه دروس نیز کسب اطلاع می‌کردند و نتایج را ثبت می‌نمودند. در آزمونهای ما میزان یادگیری دانش آموزان در درس خواندن و دیکته و ریاضی به تناسب حجم مطالبی که در زمان اجرای آزمون توسط معلم هر کلاس به دانش آموزان درس داده شده بود محاسبه و نمره گذاری می‌شد.

نمونه‌های آزمونهای میزان یادگیری دانش آموزان کلاسهای اول و دوم دبستان که توسط کارشناسان طرح به اجرا درمی‌آمد قبلاً طی جلساتی با همکاری شش نفر از زبده‌ترین معلمان کلاسهای اول و دوم دبستانهای مشهد تهیه و با کمک دو نفر مدرّسان درسهای «روش تدریس فارسی» و «روش تدریس ریاضی» در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی کنترل و اصلاح شده بود. علت انتخاب دروس خواندن و دیکته و ریاضی برای سنجش

یادگیری و پیشرفت درسی دانش‌آموزان آن بود که این دروس نقش کلیدی را در مطالب درسی کلاسهای اول و دوم دبستانهای ما دارند. نتایج حاصل از این آزمونهای پیشرفت تحصیلی همراه با نظر معلم مربوطه در مورد هر دانش‌آموز به انضمام نمره‌های امتحانی او در طول سال تحصیلی، ملاکی را به دست مامی داد تا دانش‌آموزان را از نظر پیشرفت تحصیلی عمومی نیز در یک مقیاس پنج درجه‌ای (خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) طبقه‌بندی کنیم.

پس از اقدامات مذکور، به تدریج و در فاصله دو هفته از انجام مراحل فوق در مورد هر دانش‌آموز قرار ملاقاتی، با همکاری اولیاء دبستان و کارشناسان طرح، برای اجرای مصاحبه نهایی با اولیای کودک و برای اجرای آزمونهای سه گانه بندر - گشتالت، استنفورد - بینه، و CAT با دانش‌آموز، در محل دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی گذاشته می‌شد و مجری طرح شخصاً انجام این مصاحبه نهایی با والدین و اجرای آزمونهای مذکور با دانش‌آموز را برعهده می‌گرفت آنچه در این مصاحبه و آزمونها اهمیت اساسی داشت عبارت بود از: تشخیص وضعیت اجتماعی و فرهنگی خانواده کودک و تکمیل اطلاعات قبلی در این مورد، تشخیص میزان تواناییهای شناختی و وضعیت عاطفی - رفتاری کودک و تکمیل اطلاعاتی که قبلاً به دست آمده بود. نتایج حاصل از این مطالعات، سه مسأله اساسی را روشن می‌کرد:

الف - طبقه‌بندی وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده کودک در یک مقیاس پنج درجه‌ای براساس درآمد، تحصیلات، شغل، موقعیت اجتماعی، وضعیت سکونت، امکانات زندگی، محیط اجتماعی زندگی خانواده، و ...

ب - تشخیص وضعیت عاطفی و رفتار خانواده در برخورد با کودک و چگونگی رشد و پرورش دادن او در مراحل مختلف زندگی به منظور طبقه‌بندی این رفتار در یک مقیاس پنج درجه‌ای.

ج - تشخیص وضعیت روانی و عاطفی کودک و تکمیل اطلاعات قبلی و طبقه‌بندی وی در یک مقیاس پنج درجه‌ای از نظر تعادل و عدم تعادل عاطفی.

د - تشخیص دقیق تواناییهای شناختی و هوش کودک با دو مقیاس مربوط به سطح رشد ادراک بصری - انتزاعی و سن عقلی و هوشبهر او.

به این ترتیب، برای هر یک از دوست و ده نفر دانش‌آموز، پرونده پرمحتوایی تشکیل شده بود که نهایتاً با دقت تمام مورد بررسی و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری قرار گرفت. این نتیجه‌گیریها، ترکیبی بود از بررسی اطلاعات نرم و سخت بر روی صدها متغیر روانشناختی که با روش پژوهش حضوری و مشاهده و مصاحبه و پرسش و پاسخهای بسیار و انجام آزمونهای دقیق حاصل شده بود.

بررسی و تجزیه و تحلیل هر یک از پرونده‌های تشکیل شده در ۹ عامل اصلی به شرح

زیر طبقه بندی و نمره گذاری شد:

a - وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده دانش آموز (خیلی خوب = ۵، خوب = ۴، متوسط = ۳، ضعیف = ۲، و خیلی ضعیف = ۱).

b - وضعیت عاطفی - رفتاری خانواده در برخورد با دانش آموز (خیلی خوب = ۵ ... خیلی ضعیف = ۱).

c - وضعیت عاطفی - رفتاری دانش آموز (خیلی خوب = ۵ ..... خیلی ضعیف = ۱).

d - نتایج آزمون بندر (حداکثر نمره ۱۶۷ = سن ادراکی ۱۲ سال ..... حداقل نمره ۳۵ = سن ادراکی ۴ سال).

e - نتایج آزمون هوشی استفورد - بینه (حداکثر نمره هوشی ۱۳۸ = سن عقلی ۱۳ سال و ۶ ماه ..... حداقل نمره هوشی ۴۳ = سن عقلی ۴ سال و ۴ ماه).

f - یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس خواندن فارسی (خیلی خوب = ۵ .... خیلی ضعیف = ۱).

g - یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس دیکته فارسی (خیلی خوب = ۵ .... خیلی ضعیف = ۱).

h - یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی (خیلی خوب = ۵ ... خیلی ضعیف = ۱).

i - پیشرفت تحصیلی در مجموعه دروس (خیلی خوب = ۵ ..... خیلی ضعیف = ۱).

نتایج مذکور که همگی به صورت اندازه‌های عددی با ارزش مقیاس فاصله‌ای نشان داده شده بود مورد محاسبات آماری (میانگین، واریانس، انحراف معیار، ضریب همبستگی، و آزمون t) قرار گرفت که خلاصه آن در جداول زیر نشان داده شده است:

الف - میانگین‌ها، واریانس‌ها، و انحراف معیارها

۴ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییرپذیری در عامل a (وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده دانش آموز)

$M = 2/74$	$S = 0/760$	$V = 0/578$	$n = 114$	دانش آموزان عادی
$M = 1/375$	$S = 0/659$	$V = 0/434$	$n = 96$	دانش آموزان غیرعادی
$M = 2/116$	$S = 0/986$	$V = 0/972$	$n = 210$	کل دانش آموزان

اندازه‌های جدول فوق برمی آید که نمونه انتخاب شده در مجموع گرایش به طبقات اقتصادی - اجتماعی ضعیف دارد و این بدان دلیل است که اولاً اکثریت کودکان دانش آموز

مشهد متعلق به گروه‌های متوسط و ضعیف اجتماعی هستند و ثانیاً حدود نیمی از کودکان نمونه مورد پژوهش دچار اختلال عاطفی هستند و مطابق با یکی از فرضیه‌های طرح، اختلال عاطفی با محرومیت اجتماعی همبستگی دارد و گرایش مذکور نشان‌دهنده این همبستگی نیز هست.

۵ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییرپذیری در عامل b (وضعیت عاطفی - رفتاری خانواده در برخورد با کودک)

$M = 3/45$	$S = 0/830$	$V = 0/689$	$n = 114$	دانش آموزان عادی
$M = 1/53$	$S = 0/718$	$V = 0/516$	$n = 96$	دانش آموزان غیرعادی
$M = 2/57$	$S = 1/234$	$V = 1/523$	$n = 210$	کل دانش آموزان

میانگین‌های فوق نشان می‌دهد که عموماً برخورد خانواده با کودکان در وضعیتی کمتر از متوسط است و این می‌تواند به دلیل محرومیت نسبی اجتماعی در گروه‌های بزرگی از دانش آموزان باشد. ضمناً مشاهده می‌شود که تفاوت رفتار خانواده‌های دانش آموزان عادی با رفتار خانواده‌های دانش آموزان غیرعادی، تفاوت بزرگ و معنی‌داری است.

۶ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییرپذیری در عامل c (وضعیت عاطفی - رفتاری دانش آموز)

$M = 3/84$	$S = 0/680$	$V = 0/462$	$n = 114$	دانش آموزان عادی
$M = 1/28$	$S = 0/457$	$V = 0/209$	$n = 96$	دانش آموزان غیرعادی
$M = 2/67$	$S = 1/411$	$V = 1/991$	$n = 210$	کل دانش آموزان

همان‌طور که از ارقام فوق برمی‌آید، وضعیت عاطفی - رفتاری نیمی از دانش آموزان موضوع مطالعه، همراه با درجاتی نسبتاً شدید از اختلالات است و مجموعه دانش آموزان نیز از این بابت وضعیتی زیر متوسط دارند اگرچه تفاوت دانش آموزان با یکدیگر در این زمینه زیاد و قابل توجه است.



۷ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییرپذیری در عامل d (نتایج آزمون بندر - گشتالت)

دانش آموزان عادی	n = ۱۱۴	V = ۴۳۱/۸۰۸	S = ۲۰/۷۸	M = ۱۱۷/۵
دانش آموزان غیرعادی	n = ۹۶	V = ۲۳۴/۰۹	S = ۱۵/۳۰۰	M = ۶۵/۶۱
کل دانش آموزان	n = ۲۱۰	V = ۱۰۱۹/۲۰۶	S = ۳۱/۹۲۵	M = ۹۳/۶۹

میانگین‌ها و انحراف معیارهای به دست آمده در مورد عامل d بیانگر آن است که اولاً تفاوت دانش آموزان از نظر توانایی ادراک بصری - حرکتی خیلی زیاد است و ثانیاً غالب دانش آموزان وضعیتی زیر متوسط دارند. اگرچه این وضعیت را می‌توان با توجه به وجود محرومیت اجتماعی و مشکلات عاطفی - رفتاری در گروه بزرگی از دانش آموزان مورد مطالعه توجیه کرد لیکن ضرورت یک پژوهش تازه برای هنجاریابی این آزمون را نیز آشکار می‌سازد.

۸ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییرپذیری در عامل e (نتایج آزمون استنفورد - بینه)

دانش آموزان عادی	n = ۱۱۴	V = ۲۰۴/۴۹	S = ۱۴/۳۰	M = ۱۰۹/۰۰
دانش آموزان غیرعادی	n = ۹۶	V = ۱۰۸/۱۶	S = ۱۰/۴۰	M = ۶۹/۴۱
کل دانش آموزان	n = ۲۱۰	V = ۵۳۳/۵۱۸	S = ۲۳/۰۹۸	M = ۹۰/۹۰

آنچه از میانگین‌های فوق نیز برمی‌آید شباهت آنها با نتایج حاصل از آزمون بندر - گشتالت است اگرچه در این مورد، نمره دانش آموزان عادی و نمره کل دانش آموزان قدری پایین‌تر از همین نمره‌ها در آزمون بندر است. در مورد دانش آموزان غیرعادی، عکس این وضعیت مشاهده می‌شود. نکته دیگر این‌که تفاوت دانش آموزان با یکدیگر، در آزمون بندر خیلی بیشتر از این تفاوت در آزمون استنفورد - بینه است. دلیل این امر احتمالاً این است که از آزمون استنفورد - بینه فقط عامل عمومی (g) هوش را در این محاسبات منظور کرده‌ایم.

۹ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییرپذیری در عامل a (یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس خواندن فارسی)

دانش آموزان عادی	n = ۱۱۴	V = ۰/۲۹۲	S = ۰/۵۴۰	M = ۴/۶۶
دانش آموزان غیرعادی	n = ۹۶	V = ۱/۱۶۶	S = ۱/۰۸۰	M = ۲/۲۸
کل دانش آموزان	n = ۲۱۰	V = ۲/۱۳۵	S = ۱/۴۶۱	M = ۳/۵۷

۱۰ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییر پذیری در عامل g (یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس دیکته)

$M = ۴/۳۹$	$S = ۰/۸۲۰$	$V = ۰/۶۷۲$	$n = ۱۱۴$	دانش آموزان عادی
$M = ۱/۳۴$	$S = ۰/۸۳۰$	$V = ۰/۶۸۹$	$n = ۹۶$	دانش آموزان غیر عادی
$M = ۳/۰۰$	$S = ۱/۷۳۶$	$V = ۳/۰۱۴$	$n = ۲۱۰$	کل دانش آموزان

۱۱ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییر پذیری در عامل h (یادگیری و پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی)

$M = ۴/۵۰$	$S = ۰/۶۵۰$	$V = ۰/۴۲۳$	$n = ۱۱۴$	دانش آموزان عادی
$M = ۱/۶۶$	$S = ۰/۶۵۰$	$V = ۰/۴۲۲$	$n = ۹۶$	دانش آموزان غیر عادی
$M = ۳/۲۰$	$S = ۱/۵۶۶$	$V = ۲/۴۵۲$	$n = ۲۱۰$	کل دانش آموزان

۱۲ - جدول اندازه‌های مرکزی و تغییر پذیری در عامل i (یادگیری و پیشرفت تحصیلی در مجموعه دروس)

$M = ۴/۵۵$	$S = ۰/۵۰۰$	$V = ۰/۲۵۱$	$n = ۱۱۴$	دانش آموزان عادی
$M = ۱/۷۲$	$S = ۰/۶۸۰$	$V = ۰/۴۶۲$	$n = ۹۶$	دانش آموزان غیر عادی
$M = ۳/۲۶$	$S = ۱/۵۳۹$	$V = ۲/۳۶۸$	$n = ۲۱۰$	کل دانش آموزان

مقایسه میانگین‌ها و واریانس‌های به دست آمده در مورد عوامل f، g، h، و i آشکار می‌سازد که دانش آموزان در درس خواندن فارسی رو بهمرفته از توانایی بیشتری برخوردارند و دیکته فارسی آنان عموماً ضعیفتر از سایر دروس است. ضمناً تفاوت دانش آموزان با یکدیگر به خصوص در درس دیکته فارسی زیاد است. به نظر می‌رسد که روش تدریس و آموزش خواندن و نوشتن فارسی در مدارس ابتدایی باید مورد مطالعات و تحقیقات تازه‌ای قرار گیرد. چه‌بسا لازم باشد روشهای تازه‌تر و کارآمدتری برای تدریس فارسی ابداع گردد. متأسفانه شواهد و اطلاعات کافی وجود دارد که بخشهای پژوهشی در سازمان آموزش و پرورش کشور چنانکه باید فعال نیست و از بودجه‌های اختصاص داده شده به تحقیقات علمی استفاده مناسبی نمی‌شود. وسعت و عمق مسائل بیشمار تعلیم و تربیت و پیچیدگی‌ها و دشواریهای موجود در آموزش و پرورش میلیونها کودک دبستانی اقتضا می‌کند که اهداف و محتوا و جریان و نتایج عملکردهای گوناگون سازمان مدرسه مورد بررسی علمی قرار گیرد و با استفاده از دستاوردهای دانش روانشناسی و تعلیم و تربیت به بازسازی وضع موجود کمک شود. حصول چنین مقصودی مستلزم انجام پژوهشهای دقیق

علمی، چه در بخش آموزش عالی و چه در خود آموزش و پرورش است تا علاوه بر تجزیه و تحلیل واقعیت‌های مربوط به چگونگی و کیفیت فعالیت‌های تحقیقات علمی در آموزش و پرورش، رهنمودهای لازم برای بهبود و اصلاح عملکردهای تعلیم و تربیت کودکان نیز ارائه شود.

#### ب - نتایج آزمون ۱ در مورد معنی دار بودن تفاوتها

به منظور مطالعه معنی دار بودن تفاوت اندازه‌های میانگین هریک از عوامل نه گانه در مورد دو گروه دانش آموزان (عادی و غیر عادی)، از آزمون  $t$  استفاده شد. حداقل مقدار به دست آمده در ۹ عامل مورد مطالعه معادل  $19/424 = t_p$  و مربوط به عامل وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده دو گروه دانش آموزان، و در مورد سایر عوامل ارقام بزرگتری بود. با توجه به درجه آزادی دو گروه ( $df = n_1 + n_2 - 2 = 208$ ) و مراجعه به جدول آماری  $t$ ، ملاحظه می‌شود که تفاوت میانگین‌ها حداقل در سطح  $\alpha = 0/05$  معنی دار است. این آزمونهای معنای آماری حاکی از رد فرض عدم تفاوت دو گروه از دانش آموزان دبستانی (گروه گواه و گروه نیمه تجربی) و قبول فرضیه محوری طرح پژوهشی است. به بیان دیگر، تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی کودکان در ارتباط با وضعیت عاطفی آنان است و کودکانی که دچار اختلالات عاطفی - رفتاری هستند، در مقایسه با کودکان عادی، کمتر قادرند از تواناییهای هوشی خود بهره‌گیرند و یادگیری و پیشرفت تحصیلی ضعیفتری دارند.

#### ج - همبستگی‌ها

در محاسبات آماری این طرح پژوهشی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده زیرا اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق را می‌توان در حد مقیاس فاصله‌ای به حساب آورد. به همین جهت استفاده از روشهای آماری پارامتریک مجاز به نظر می‌رسد. معیار ما در معنا کردن مقادیر ضریب همبستگی با توجه به طبقه‌بندی زیر بوده است که کلیه آمارشناسان برای توصیف مقادیر همبستگی از آن استفاده می‌کنند:

$0/70 \pm$  تا  $0/99 \pm$  همبستگی قوی

$0/40 \pm$  تا  $0/69 \pm$  همبستگی نسبتاً قوی

$0/20 \pm$  تا  $0/39 \pm$  همبستگی نسبتاً ضعیف

صفر تا  $0/19 \pm$  همبستگی بسیار ضعیف

مقادیر همبستگی عوامل مورد مطالعه در این طرح پژوهشی اگرچه به خودی خود بیانگر وجود رابطه علی در بین آنها نیست لیکن وجود رابطه قوی میان آنها را نشان می‌دهد:

۱۳ - جدول اندازه‌های همبستگی عامل a (وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده کودک) با سایر عوامل مورد مطالعه

کل دانش آموزان	دانش آموزان غیرعادی	دانش آموزان عادی
$r_{ab} = ۰/۷۹$ $n = ۲۱۰$	$r_{ab} = ۰/۵۲$ $n = ۹۶$	$r_{ab} = ۰/۵۸$ $n = ۱۱۴$
$r_{ac} = ۰/۵۳$ $n = ۲۱۰$	$r_{ac} = ۰/۲۸$ $n = ۹۶$	$r_{ac} = ۰/۳۹$ $n = ۱۱۴$
$r_{ad} = ۰/۶۳$ $n = ۲۱۰$	$r_{ad} = ۰/۲۱$ $n = ۹۶$	$r_{ad} = ۰/۱۱۲$ $n = ۱۱۴$
$r_{ae} = ۰/۶۸$ $n = ۲۱۰$	$r_{ae} = ۰/۱۴$ $n = ۹۶$	$r_{ae} = ۰/۲۷$ $n = ۱۱۴$
$r_{af} = ۰/۶۳$ $n = ۲۱۰$	$r_{af} = -۰/۱۹$ $n = ۹۶$	$r_{af} = ۰/۱۱$ $n = ۱۱۴$

از مقادیر فوق برمی آید که عامل اقتصادی - اجتماعی خانواده یا سایر متغیرهای مورد مطالعه (یعنی: وضعیت عاطفی - رفتاری خانواد در برخورد با کودک، وضعیت عاطفی - رفتاری دانش آموز، تواناییهای هوشی و شناختی دانش آموز، و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموز) دارای همبستگی قوی و مثبت است و از این میان، قویترین رابطه مربوط به برخورداری اقتصادی - اجتماعی خانواده و نحوه عمل خانواده در چگونگی رفتار با کودک است. به بیان دیگر، می توان استنباط کرد که هرگاه خواهان آن باشیم که شکل گیری شخصیت کودکان و رشد هوشی و پیشرفت تحصیلی آنان وضعیت مطلوبی داشته باشد بیش از هر چیز باید به بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی (رفاه و تمدن) خانواده ها توجه داشته باشیم زیرا خانواده هایی که از نظر گذران زندگی در سطح بالاتری قرار دارند و از تحصیلات بیشتر و مهارت شغلی و کارآیی اجتماعی و سکونت و جایگاه اجتماعی بهتری برخوردارند، فرزندان رشد یافته تر و تواناتر و هوشمندتری نیز تربیت می کنند. این نکته اخیر را حجم بالای همبستگی بین عامل b و سایر عوامل مورد مطالعه نیز تأیید می کند (به جدول ۱۴ توجه فرمایید).

۱۴ - جدول اندازه‌های همبستگی عامل b (وضعیت عاطفی - رفتاری خانواده در برخورد با کودک) با سایر عوامل

کل دانش آموزان	دانش آموزان غیرعادی	دانش آموزان عادی
$r_{bc} = ۰/۸۷$ $n = ۲۱۰$	$r_{bc} = ۰/۶۱$ $n = ۹۶$	$r_{bc} = ۰/۶۱$ $n = ۱۱۴$
$r_{bd} = ۰/۶۹$ $n = ۲۱۰$	$r_{bd} = ۰/۱۱$ $n = ۹۶$	$r_{bd} = ۰/۱۶$ $n = ۱۱۴$
$r_{be} = ۰/۷۲$ $n = ۲۱۰$	$r_{be} = ۰/۰۷$ $n = ۹۶$	$r_{be} = ۰/۲۰$ $n = ۱۱۴$
$r_{bi} = ۰/۷۵$ $n = ۲۱۰$	$r_{bi} = ۰/۰۵$ $n = ۹۶$	$r_{bi} = ۰/۱۷$ $n = ۱۱۴$

ضریب همبستگی  $r_{bc} = ۰/۸۷$  در جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه رفتار خانواده با کودک و چگونگی رشد روانی کودک رابطه‌ای است بسیار قوی و پراهمیت. ارقام  $r_{bd} = ۰/۶۹$  و  $r_{be} = ۰/۷۲$  نیز حاکی از آن است که کودکان هوشمندتر عموماً در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که رفتار والدین با کودک از وضعیت بسیار بهتری برخوردار است.

تردیدی نمی‌توان کرد که جامعه ما برای رشد و توسعه خود بیش از هر چیز نیازمند آن است که استعدادها و شناختی فرزندان خود را به شکوفایی برساند و از این توانایی‌های بالقوه خدادادی برای بهبود زندگی استفاده نماید. از سوی دیگر، در جدول فوق می‌بینیم که همبستگی بین رفتار والدین در برخورد با کودک و پیشرفت تحصیلی دانش آموز نیز بسیار قوی و مثبت است و این بدان معنا است که خانواده‌ها اگر بخواهند فرزندان خود را از توانایی یادگیری بیشتری برخوردار باشند باید شرایط عاطفی - رفتاری بهتری را در خانه خود برای کودکان فراهم آورند تا آنان شخصیت روانی سالمتری بدست آورند و به این ترتیب از رشد هوشی و پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردار گردند.

## ۱۵ - جدول اندازه‌های همبستگی بین عامل C (وضعیت عاطفی - رفتاری کودک) با سایر عوامل

کل دانش‌آموزان	دانش‌آموزان غیرعادی	دانش‌آموزان عادی
$r_{cd} = 0/77$ $n = 210$	$r_{cd} = 0/16$ $n = 96$	$r_{cd} = 0/08$ $n = 114$
$r_{ce} = 0/82$ $n = 210$	$r_{ce} = 0/21$ $n = 96$	$r_{ce} = 0/17$ $n = 114$
$r_{cf} = 0/79$ $n = 210$	$r_{cf} = 0/18$ $n = 96$	$r_{cf} = 0/15$ $n = 114$
$r_{cg} = 0/83$ $n = 210$	$r_{cg} = 0/18$ $n = 96$	$r_{cg} = 0/36$ $n = 114$
$r_{ch} = 0/85$ $n = 210$	$r_{ch} = 0/12$ $n = 96$	$r_{ch} = 0/12$ $n = 114$
$r_{ci} = 0/88$ $n = 210$	$r_{ci} = 0/16$ $n = 96$	$r_{ci} = 0/34$ $n = 114$

اندازه‌های همبستگی بین وضعیت عاطفی - رفتاری کودک با تواناییهای شناختی و پیشرفت تحصیلی او که در جدول فوق مشاهده می‌شود تأیید قاطعی بر اثبات فرضیه اساسی این تحقیق یعنی ارتباط وضعیت روانی کودک با هوش و یادگیری او است. همانطور که ملاحظه می‌شود، مقدار  $r_{ci} = 0/88$  بالاترین رقم همبستگی قوی و مثبت است که در این تحقیق به دست آمده است و نشان می‌دهد که هر قدر دانش‌آموز وضعیت عاطفی - رفتاری متعادلتری دارد پیشرفت تحصیلی بهتری در مجموعهٔ دروس دارد و همچنین در دروس خواندن فارسی ( $r_{cf} = 0/79$ )، دیکتهٔ فارسی ( $r_{cg} = 0/83$ )، و ریاضی ( $r_{ch} = 0/85$ ) پیشرفته‌تر است و علاوه بر اینها، در هر دو آزمون بندر ( $r_{cd} = 0/77$ ) و آزمون استفورد - بینه ( $r_{ce} = 0/82$ ) نمود هوشی بیشتری دارد.

مقادیر این ضرایب همبستگی به قدری بالا است که در معنی‌دار بودن آنها (با توجه به پایه‌های نظری این تحقیق و حجم نمونه) هیچگونه تردیدی نمی‌توان کرد. تحقیقات حضوری ما از وضعیت نمونهٔ دانش‌آموزان مورد مطالعه نیز، این دریافت شهودی - تخصصی قوی را به ما داده است که این همبستگیها را با قراین کافی موجود، می‌توان نوعی رابطهٔ علی نیز به حساب آورد. ضمناً به دلیل بالابودن و فراگیر بودن قوت ضرایب همبستگی مذکور، بدیهی است که اگر از محاسبات آماری پیشرفته‌تر در تحلیل واریانس چند متغیره نیز استفاده کنیم، صحت این نتیجه‌گیری با استفاده از روشهای آماری نیز تأیید خواهد شد.

## ۱۶ - جدول اندازه‌های همبستگی عامل d (نتایج آزمون بندر) با سایر عوامل

کل دانش آموزان	دانش آموزان غیرعادی	دانش آموزان عادی
$r_{dc} = ۰/۸۵$ $n = ۲۱۰$	$r_{dc} = ۰/۶۶$ $n = ۹۶$	$r_{dc} = ۰/۴۰$ $n = ۱۱۴$
$r_{df} = ۰/۷۰$ $n = ۲۱۰$	$r_{df} = ۰/۰۴$ $n = ۹۶$	$r_{df} = ۰/۱۱$ $n = ۱۱۴$
$r_{dg} = ۰/۷۹$ $n = ۲۱۰$	$r_{dg} = ۰/۲۲$ $n = ۹۶$	$r_{dg} = ۰/۱۲۹$ $n = ۱۱۴$
$r_{dh} = ۰/۷۸$ $n = ۲۱۰$	$r_{dh} = ۰/۱۷$ $n = ۹۶$	$r_{dh} = ۰/۱۲$ $n = ۱۱۴$
$r_{di} = ۰/۸۰$ $n = ۲۱۰$	$r_{di} = ۰/۲۳$ $n = ۹۶$	$r_{di} = ۰/۲۰$ $n = ۱۱۴$

ملاحظه می‌شود که ضرایب همبستگی مربوط به نتایج عملکرد دانش آموزان در آزمون ادراک بصری - حرکتی بندر - گشتالت با پیشرفت تحصیلی آنان در مجموعه دروس ریاضی ( $r_{dh} = ۰/۷۸$ ) نیز مقادیری قوی و مثبت است که مؤید فرض دیگر این تحقیق مبتنی بر رابطه توانایی‌های شناختی با پیشرفت تحصیلی است.

ضمناً همانطور که مشاهده می‌شود، حجم همبستگی بین نتایج آزمون بندر با نتایج آزمون استنفورد - بینه نیز ( $r_{df} = ۰/۷۰$ ) رقمی بالا و اثباتی بر این فرضیه است که آزمون ادراک بصری - حرکتی بندر وسیله مناسبی برای تخمین توانایی‌های شناختی و پیش‌بینی‌کننده قدرت یادگیری و پیشرفت تحصیلی است. در عین حال، تردیدی نیست که استفاده مطمئن‌تر از این آزمون مستلزم هنجاریابی آن برای کودکان مناطق مختلف کشور ما است.

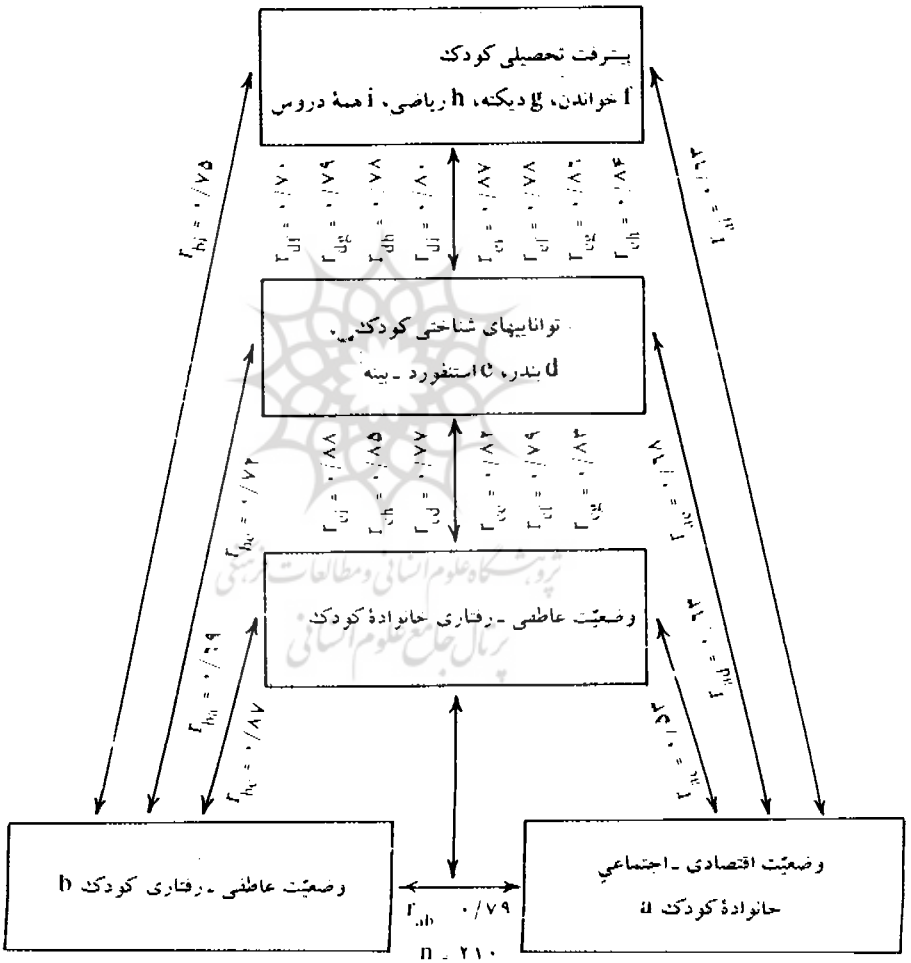
## ۱۷ - جدول اندازه‌های همبستگی عامل C (نتایج آزمون استنفورد - بینه) با سایر عوامل

کل دانش آموزان	دانش آموزان غیرعادی	دانش آموزان عادی
$r_{cf} = ۰/۷۸$ $n = ۲۱۰$	$r_{cf} = ۰/۲۴$ $n = ۹۶$	$r_{cf} = ۰/۲۹$ $n = ۱۱۴$
$r_{cg} = ۰/۸۶$ $n = ۲۱۰$	$r_{cg} = ۰/۵۰$ $n = ۹۶$	$r_{cg} = ۰/۳۹$ $n = ۱۱۴$
$r_{ch} = ۰/۸۴$ $n = ۲۱۰$	$r_{ch} = ۰/۲۸$ $n = ۹۶$	$r_{ch} = ۰/۲۸$ $n = ۱۱۴$
$r_{ci} = ۰/۸۷$ $n = ۲۱۰$	$r_{ci} = ۰/۴۹$ $n = ۹۶$	$r_{ci} = ۰/۳۷$ $n = ۱۱۴$

آنچه در مورد آزمون بندیر گفته شد، در خصوص آزمون استنفورد - بینه نیز صادق است. ضرایب همبستگی قوی و مثبت فوق که گویای ارتباط قوی بین تواناییهای هوشی دانش آموزان با یادگیری و پیشرفت عمومی تحصیلی آنان ( $r_{ci} = ۰/۸۷$ ) و با پیشرفت تحصیلی در درس خواندن ( $r_{cf} = ۰/۷۸$ )، دیکته ( $r_{cg} = ۰/۸۶$ )، و ریاضی ( $r_{ch} = ۰/۸۴$ ) می‌باشد. تأییدی بر اثبات فرض دیگر این تحقیق است و نشان می‌دهد که آزمون استنفورد - بینه قابلیت پیش‌بینی بالایی از توانایی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد.



به عنوان خلاصه‌ای از همبستگی‌های به دست آمده، مدل تحقیق را به همراه اندازه ضرایب همبستگی بین عوامل مورد مطالعه ذیل به نظر می‌رسانیم:



همبستگی وضعیت عاطفی - رفتاری کودکان دبستانی و هوش و پیشرفت تحصیلی آنان ( $n = 210$ )

در مورد فرضیهٔ دیگر تحقیق، یعنی مناسبت استفاده از آزمون اندریافت کودکان برای تشخیص وضعیت عاطفی کودکان دبستانی، اگرچه این مبحث در مقالهٔ جداگانه‌ای تحت عنوان "کاربرد آزمون اندریافت کودکان در تشخیص اختلالات عاطفی آنان" به چاپ رسیده است، لازم است اضافه کنیم که نتایج حاصل از این آزمون در مورد دویست و ده نفر دانش‌آموزان مورد مطالعه در این تحقیق، هماهنگی کاملی با نتایج حاصل از مطالعات حضوری و مصاحبه‌های نظام‌مدار در خصوص وضعیت عاطفی - رفتاری دانش‌آموزان دارد. در عین حال ناگفته نباید گذاشت که تجزیه و تحلیل مسأله و اظهار نظر قطعی تر راجع به آن نیازمند پژوهش‌های بیشتری است.

آنچه در پایان این مقاله به عنوان پیشنهاد باید یادآوری کنیم این است که:

۱- دقایق موضوع این تحقیق و جوانب گوناگون و وسعت آن به قدری است که بسیار فراتر از چهارچوب این طرح پژوهشی قرار می‌گیرد و لازم است که تحقیقات دیگری نیز در این زمینه انجام گیرد.

۲- اهمیت رابطهٔ وضعیت عاطفی - رفتاری کودکان باهوش و یادگیری آنان به قدری است که هم والدین کودکان و هم سازمان آموزش و پرورش و دیگر مؤسسه‌هایی که با تعلیم و تربیت کودکان سر و کار دارند می‌باید توجه ویژه‌ای به آن معطوف دارند و ضروری است که در چگونگی روابط اولیای مدارس و معلمان با دانش‌آموزان تغییرات مثبتی ایجاد گردد تا کودکان بتوانند در محیطی سرشار از امنیت روانی و محبت و احترام متقابل از رشد شخصیتی مناسبتری بهره‌مند شوند.

۳- آزمونهای بین‌المللی به کار رفته در این تحقیق که کیفیت خوبی برای تشخیص وضعیت روانشناختی کودکان دبستانی دارند می‌باید برای افراد جامعهٔ ما هنجاریابی و با وسعت بسیار بیشتری به کار گرفته شود.

۴- به نظر ما، آبادانی و آزادی و استقلال ملی ما بیش از هر چیز در گرو اعتلای تعلیم و تربیت عمومی و به ویژه آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی است و هر اقدامی که متخصصان و مؤسسات ذیصلاح و فرهیختگان کشور در این راستا به عمل آورند در واقع خدمتی است به اعتلای فرهنگ عمومی جامعه و رشد و پیشرفت میهن ما. به امید آنکه پرورش فرزندان ما هم در خانه و هم در مدرسه و اجتماع به موازین علمی و در جهت وصول به سعادت انسانی آنان صورت گیرد تا تعلیم و تربیت و تمدن و فرهنگ ما جایگاه ارزشمند خود را در میان دیگر جوامع جهان به دست آورد.

## فهرست منابع

در این پژوهش، از منابع زیر استفاده شده است.

- 1 - Sarason, Irwin & Sarason, Barleara, 1989: *Alinormal Psychology*. Prentice Hall, NewJersey.
- 2 - McDowell, R. 1982 : Prologue. In R. McDowell, G. Adamson, & F. Wood: *Teaching the Emotionally Distused*. littele, Brown.
- 3 - Ames, L.B. , 1977: *Learning Disabilities: Time to check our roadmaps?* journal of learning Disabilities, 10, 328 - 330.
- 4 - Kirk, S.A. , 1978: *An Interview with Samuel Kirk*. *Academic Therapy*, 13 - 617 - 620.
- 5 - Wallace, G. & Kauffman, J.M. , 1978: *Teaching Children with Learning Problems*. Columbus, Ohio: Charles E.Merril.
- 6 - Wallace, G. & Mchoughtlin, J.A. , 1979: *Learning Disabilities concepts and characteristics*. Columbus, Ohio: Charles E.Merrile.
- 7 - Wallace, G. & Lassen, S. , 1978: *Educational Assessment of Learning Pralilems. Testing for teaching*. Boston: Allyn & Bacon.
- 8 - Bower, E. , 1982: *Early Identification of Emotionally Handicapped children in the School*. Springfield, III: Charles C.Thomas.
- 9 - Smith, C. & Keogh, B. , 1962: *The Group Bender - Gestalt as a Reading Readiness Instrument*. *Percept. Motor Skills*.
- 10 - Koppitz, E.M. , 1962: *The Bender - Gestalt Test with the Human Figure Drawing test for Young School Children*. Columbus, Ohio Dept. of Education.
- 11 - Lachman, F. M. , 1960: *Perceptual - Motor Development in Children Retarded in Reading Ability*. *J.Consult. Psychol.* , 24: 427 - 431.
- 12 - Ackerman, P.T. et.al. , 1971: *Children with Specific Learning Disabilities: Bender Gestalt Test Findings and Other Signs*. *J. Learning Disabilities*, 4: 437 - 446.
- 13 - Oberzut, J.E. , et.al. , 1972: *Re - examination of Koppitz, Developmental Bender Scoring System*. *Percept. Mot. Skills*, 34: 279 - 282.
- 14 - Von de Voort, L. & Snez, G.M. , 1973: *Audiovisual Integration in Retarded Reader*. *J. Learning Disabilities*, 6: 170 - 179.
- 15 - Terman , L.M. , 1916: *The Measurement of Intelligence*. Boston: Houghton Mifflin.
- 16 - Terman , L.M. , 1921: *Intelligence and its Measurement. A Symposium*. *Journal of Educational Psychology*, 12: 127 - 133.

- 17 - Resnick, L.B. (Ed.), 1976: The Nature of Intelligence. Hillsdale, New Jersey: Erlbaum.
- 18 - Wechsler, D. , 1958: The Measurement and Appraisal of Adult Intelligence . Baltimore: Williams & Wilkins. New Jersey : Erlbaum .
- 19 - Jensen , A.R. , 1969: How much can we boost IQ and scholastic achievement? Harvard Educational Review, 39: 1 - 123.
- 20 - Elkind, D. , 1969: Piagetian and Psychometric Conceptions of Intelligence. Harvard Educational Review, 39: 319 - 337.
- 21 - Royce, D.C. , et.al. , 1983: Pooled Analysis: in Lasting effects of Preschool Programs (Consortium for Longitudinal Studies). Hillsdale, N.J. , Erlbaum.
- 22 - Zigler, E. & Valentine, J. , 1979: Project Head Start: A legacy of the war on poverty. New York, Free Press.
- 23 - Lloyd - Still, J.D. , 1976: Clinical Studies on the Effects of Malnutrition During Infancy and Subsequent Physical and Intellectual Development. In J.D. Lloyd - Still (Ed.): Manutrition and Intellectual Development. Littleton, M,R. Publishing Sciences Group.
- 24 - Broman, S. et.al. , 1975: Preschool IQ: Prenatal and early developmental correlates. Hillsdale, N.J: Erlbaum.
- 25 - Clarke, A.M. & Clarke, A.D.B. , 1976: Early Experience: Myth and evidence. New York: Free Press.
- 26 - Jencks, C. ; Gintis, H. et.al. , 1972: Inequality: A reassessment of the effects of family and Schooling in America. New York: Basic Books.
- 27 - Hernstein, R.J. , 1973: IQ in the Meritocracy. Boston: Little, Brown.
- 28 - White, K.R. , 1982: The Relation Between Socio Economic Status and Economic Achievement. Psychological Bulletin, 91: 461 - 481.
- 29 - Thorndike, R.I. , 1985: The Central Role of General Ability in Prediction. Multivariate Behavioral Research, 20: 241 - 254.
- 30 - Guilford, J.P. , 1967: The Nature of Human Intelligence. New York: Mc Grow - Hill.
- 31 - Horn, J.L. & Cattle, R.B. , 1966: Reinforcement and Test of the Theory of Fluid and Crystallized Intelligence. Journal of Educational Psychology. 57: 253 - 276.
- 32 - Thorndike, R.L. Hagen, E.P. ; & Sattler, J.M. , 1986: The Stanford - Binet Intelligence Scale: Fourth Edition. Guide for Administering and Scoring. The Riverside Publishing Company. Chicago.
- 33 - DSM - III - R, 1988 : American Association's "Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders.
- 34 - Reinert, H.R. & Huang, A. , 1987: Children in Conflict. Columbus: Merrill.
- 35 - Hobbs, N. , 1982: The Troubled and Trouiling Child. San Francisco: Jossey - Bass.
- 36 - Kazdin, Alan E. , 1988: Child Psychotherapy. Pergamon. Oxford.